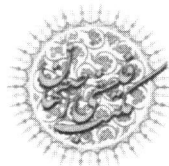


نقد و تحلیل  
آثار فارسی شیخ بهایی

دکتر محسن محمدی فشارکی  
فاطمه قیومیان محمدی

سرشناسه	محمّدی فشارکی، محسن، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	نقد و تحلیل آثار فارسی شیخ بهایی / محسن محمّدی فشارکی، فاطمه قیومیان محمّدی.
مشخصات نشر	تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۴۲۱ ص.
شابک	9/8-600-/009-/19-6
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتاب حاضر به مناسبت دومین همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان منتشر شده است که توسط دانشگاه صفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دبیرخانه دائمی همایش مکتب فلسفی اصفهان برگزار شده است.
یادداشت	کتاب حاضر با حمایت موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، دانشگاه اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان) منتشر شده است.
یادداشت	کتابنامه: ص. [۱۱۵] - ۱۲۱.
موضوع	شیخ بهائی، محمد بن حسین، ۹۵۳-۱۰۳۱ق. -- نقد و تفسیر
موضوع	شیخ بهائی، محمد بن حسین، ۹۵۳-۱۰۳۱ق. -- سرگذشتنامه
موضوع	Sheykh Baha'ei, Mohammad ibn Hossein-- Biography
شناسه افزوده	قیومیان محمّدی، فاطمه، ۱۳۶۵ -
شناسه افزوده	دانشگاه اصفهان
شناسه افزوده	University of Isfahan
شناسه افزوده	دانشگاه آزاد اسلامی. واحد خوراسگان
شناسه افزوده	همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان ( دومین : ۱۳۹۵ : اصفهان)
شناسه افزوده	(International Conference Philosophical School Isfahan ( 2th : 2016 : Isfahan)
شناسه افزوده	دانشگاه اصفهان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی
شناسه افزوده	موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
شناسه افزوده	Muassasah-i Pizhuhishi-i Hikmat va Falsafah-i Iran
رده بندی کنکره	۱۳۹۶؛ ۳/۳؛ PIR۶۳۵۴/۳
رده بندی دیویی	۸۱۶/۴
شماره کتابشناسی ملی	۴۷۰۳۷۰۵



## نقد و تحلیل آثار فارسی شیخ بهایی

دکتر محسن محمّدی فشارکی  
فاطمه قیومیان محمّدی

ناشر: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۶

تیراژ : ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۰۹-۷۹-۶

چاپخانه: مؤسسه بوستان کتاب ۵-۱۱۴۳۶۶۶۱-۰۲۵

حق چاپ و نشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، کوچه شهید آراکلیان، شماره ۴

تلفن: ۶۶۴۰۵۴۴۵ ؛ شماره: ۶۶۹۵۳۳۴۲

اصفهان، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دبیر خانه دائمی همایش مکتب فلسفی اصفهان ۳۷۹۳۳۰۹۷ - ۰۳۱

## «هوالحکیم»

«مکتب فلسفی اصفهان» اصطلاحی مستحدث نزد پژوهشگران عرصه مطالعات سنت حکمی و عرفانی عالم اسلام است. حکیمان حوزه اصفهان به خوبی نشان دادند که استمرار واقعی این سنت و انتقال روح آن از عصر فارابی و ابن سینا به بعد، نه از مجرای چهره‌هایی مانند ابن رشد اندلسی، که از طریق حکمایی مانند میرداماد (مؤسس مکتب اصفهان) میسر است؛ و این طریقی بود که پیش‌تر، به همت حکیمان و عارفانی مانند شیخ اشراق، ابن عربی، خواجه طوسی، ابن‌ترکه اصفهانی، سیدحیدر آملی، ابن‌ابی‌جمهور احساسی و اعظم حوزه شیراز هموار شده بود.

نشاط فکری، رونق حوزه‌های درسی، جامعیت، تلفیق مشارب گوناگون فکری در عین خلاقیت و نوآوری، جمع میان عقلانیت و معنویت، پاسخ‌گویی به پرسش‌های روز و مهم‌تر از همه، عرضه آموزه‌هایی برآمده از روح و باور شیعی، رویداد بزرگی بود که حاصل آن، به تعبیر برخی از محققان معاصر «**حکمت معنوی تشیع**» است. این شیوه نوین فکری، توجهی ویژه به متن قرآن کریم و روایات و ادعیه مأثوره از پیشوایان دین داشت که با بهره‌گیری از تأویل، توانست خلاء موجود در حکمت اسلامی دوران پیش از خود را به خوبی جبران کند.

حوزه فلسفی اصفهان سایر مشارب فلسفی قدما را نیز در بطن خود حفظ و بازسازی

کرد و حتی با توانی بیش از پیش، ضامن تداوم آن‌ها شد. از باب نمونه، بیشترین حواشی و تعلیقات بر *شفاء* شیخ‌الرئیس در همین دوران نگاشته شد؛ متون حکمت اشراق به نحو گسترده شرح و تدریس می‌شد و عرفان ابن‌عربی نیز همچنان رواج و تداوم داشت. افزون بر این، حکیمان مثلاًه این حوزه، این توفیق را نیز داشتند که مکتب اخلاقی - عرفانی تشیع را قوام بخشیده و به تربیت نفوس و ارتقای معنوی اهل سلوک همّت گمارند.

گفتنی است اصطلاح «**مکتب فلسفی اصفهان**» به جریان خاصی از حکمای اصفهان اطلاق نمی‌شود. در درون این مکتب، افزون بر حوزه میرداماد و شاگردانش که به **حکمت ایمانی** نیز شهرت یافت، **حکمت ایمانی**، یعنی طریق خاص فکری و عملی شیخ بهایی، **حکمت تطبیقی** که بر مدار آرای حکمی میرفندرسکی استوار شد، **حکمت متعالیه صدرایی**، **حکمت تنزیهی** ملارجبعلی تبریزی و بالأخره **حکمت سینوی** مشائیان اصفهان نیز جای می‌گیرند.

آنچه از مآثر حکیمان مثلاًه آن عصر طلایی در دوران صفویّه از سده یازدهم هجری به بعد بر جای مانده است، مجموعه‌ای گرانسنگ از معارف حکمی به شمار می‌رود که از حیث کمی و کیفی با هیچ دوره‌ای از ادوار و حوزه‌های از حوزه‌های فرهنگ کهن اسلامی ایران، پیش و پس از آن، قابل مقایسه نیست.

بر بخش بزرگی از این میراث عظیم فکری و معنوی، با گذشت سه - چهار سده، همچنان گرد غربت در کتابخانه‌های شخصی و عمومی نشسته است. آیا جای این پرسش نیست که حتی فهم صحیح حکمت صدرایی - که مشهورتر از سایر مشارب حکمی حوزه اصفهان است - جز با آگاهی بر فعالیت‌های فلسفی زمانه او و چالش‌های میان او با سایر مکاتب و جریان‌ها چگونه ممکن است؟ نیز، چگونه می‌توان به طرح حکمت و فلسفه‌ای زنده، مؤثر و تحرک‌زا در ایران برای مواجهه با مقتضیات عالم معاصر، جز با اشراف بر آثار و مآثر فلسفی آن عهد باشکوه، توفیق یافت؟

در چند دهه گذشته، استادان و محققانی از جمله شادروان استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی، به پیشنهاد اسلام‌شناس فقید فرانسوی، هانری کربن، در جهت معرفی آثار حکمای شیعی عصر صفوی به چاپ و انتشار نمونه‌هایی از متون حکمی و عرفانی حکمای اصفهان از میرداماد و میرفندرسکی تا بیدآبادی و نراقی در چهار مجلد مبادرت نمودند. چند سال پیش نیز، در همایش بین‌المللی «از اصفهان تا قرطبه» پاره‌ای از متون حکمای اصفهان چاپ و منتشر شد. با وجود این، ثلث آثار حکمی به جای مانده از حکیمان اصفهان نیز هنوز چاپ نشده است؛ از این‌رو، به نظر می‌رسید که بهانه گردهمایی، می‌تواند زمینه مناسبی را برای احیاء آثار این بزرگان فراهم آورد تا برای نخستین‌بار، بتوان به گونه‌ای مستقیم و با محوریت کتب و آثار حکیمان اصفهان عصر صفوی، به نشر آن‌ها مبادرت نمود.

پس از اعلام فراخوان نخستین همایش مکتب فلسفی اصفهان و آغاز به کار دبیرخانه و کمیته علمی همایش، افزون بر کار بررسی مقالات رسیده، تصحیح و تحقیق آثاری از حکیمان این حوزه و نیز نگارش کتاب‌های جداگانه درباره فعالیت‌های فلسفی این دوره و معرفی حکمای اصفهان، در دستور کار دبیرخانه همایش قرار گرفت و با یاری ایزد منان و همت استادان و محققان و نویسندگان، نوزده عنوان کتاب و رساله به شرح ذیل چاپ و منتشر گردید:

**شرح التائیه الكبرى**<sup>۱</sup> (صائن‌الدین علی بن ترکه اصفهانی، تحقیق: مجید هادی‌زاده)؛  
**الشوارق** (ابوالحسن قائنی کاشانی، تحقیق: زهره قربانی)؛ **رساله الإیقاظات فی خلق الأعمال** (میرداماد، تحقیق: حامد ناجی اصفهانی)؛ **خطفات القدس**، (میرسیداحمد علوی عاملی، تحقیق: مجید هادی‌زاده)؛ **الکلمة الطیبة** (ملّاعبدالرزاق لاهیجی، تحقیق: حمید عطایی نظری)؛ **شرح «تهذیب المنطق» تفتازانی**، (ملّاعبدالرزاق لاهیجی، تحقیق: مرتضی حاج حسینی)؛ **زواهر الحکم** (میرزا حسن لاهیجی، تحقیق: سید حسین

واعظی)؛ **ساقی نامه** (میرزا ابوطالب فندرسکی، تحقیق: سیدعلی اصغر میرباقری فرد و احسان رئیسی)؛ **شرح «حکمة العرشیه»** (ملّاسماعیل واحدالعین، تحقیق: مسعود خداوردی)؛ **سیر تحوّل مکتب فلسفی اصفهان از ابن سینا تا ملاصدرا** (تألیف: مهدی امامی جمعه)؛ **مکتب فلسفی اصفهان** (تألیف: سید محمدعلی مدرّس مطلق)؛ **مکتب فلسفی شیراز** (تألیف: سیدمحمدعلی مدرّس مطلق)؛ **جریان های فکری حوزه علمیه اصفهان** (تألیف: محمدجعفر رضایی)؛ **فرهنگ اصطلاحات کلامی فیاض لاهیجی** (تألیف: حمید عطایی نظری)؛ **مکتب فلسفی اصفهان از دیدگاه دانش پژوهان** (به کوشش: محمدرضا زادهوش)؛ **دیدار با فیلسوفان سپاهان** (تألیف: محمدرضا زادهوش)؛ **مجموعه مقالات نخستین همایش مکتب فلسفی اصفهان (در سه مجلد)** (به کوشش: علی کرباسی زاده اصفهانی).

البته این گامی است نخست در معرفی میراث حکمی و معنوی تشیع؛ و از آن جا که انتشار این حجم از آثار به جای مانده، کار و برنامه موسّعی را می طلبد، تصمیم بر این شد تا قلمرو منشورات نخستین همایش مکتب فلسفی اصفهان، بیشتر به آثار حکمای عصر صفوی از میرداماد تا اوایل دوره قاجار اختصاص یابد. این مجال که به لطف و عنایت حق و حسن توجه تنی چند از محققان و فضلالی گرانقدر و شماری از نهادها و مراکز و مؤسّسات دینی و پژوهشی فراهم شد، به مثابه آغاز راه و طلیعه عرصه ای است سرشار از ذخائر علمی و معنوی.

امید آن که بتوانیم با استعانت از توفیقات پروردگار حکیم و مساعدت های مسئولان فرهنگی کشور و تمامی علاقه مندان به احیاء حکمت اصیل شیعی، گام های بعدی و مؤثرتری را در خصوص احیاء آثار سایر حکمای اصفهان برداریم.

اکنون با گذشت چهار سال از آن گردهمایی، معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، **دومین همایش مکتب فلسفی اصفهان** را برپا نمود. این

همایش که در سطح ملی در روزهای هفدهم تا نوزدهم اسفندماه ۱۳۹۵ برگزار گردید، شماری از متون گرانسنگ حکیمان، عارفان و متکلمان سده‌های دوازدهم هجری به بعد و نیز تألیفات برخی از استادان و پژوهشگران را برای دومین همایش منتشر و رونمایی کرد. آن دسته از آثارى که برای دومین همایش مکتب فلسفی اصفهان چاپ و انتشار یافت، عبارتند از:

**رفع المنازعة و الخلاف** (سیدحیدر آملی)؛ **اوراق پراکنده از مصنّفات میرداماد؛ حاشیة «تعلیقه بر الهیات شرح تجرید در مباحث قدرت و علم الهی»** محمد بن احمد خفّری (ملاً شمس‌الدین محمد ابن نعمت‌الله گیلانی)؛ **تعلیقات ملامحمدباقر سبزواری بر الهیات شفاء؛ بیان الأسرار در شرح «مصباح الشریعة»** (شیخ حسین زاهدی)؛ **کشف‌الحیرت، (ملاً اسماعیل خاتون آبادی)؛ رساله توحید (در نقد وحدت وجود)** (ملاً محمدسعید رودسری گیلانی)؛ **اربع رسائل فی علم الکلام** (فاضل اصفهانی (هندی))؛ **نورالبصائر فی حلّ مشکلات المشاعر** (شرح مشاعر مآصدرا)، ملا احمد اردکانی؛ **رساله مرآة الوحدة الحقّة** (سید ابوطالب حسینی قائنی)؛ **ضوء المناظر فی شرح المشاعر** (ملاً زین‌العابدین نوری)؛ **أنوار التوحید** (عبدالصاحب نراقی)؛ **هدایة المسترشدین فی ردّ المضلّین** (ملاً محمدتقی کاشانی)؛ **روح الإسلام و الإیمان،** (میرزا یحیی بیدآبادی)؛ **شروق الحکمة فی شرح الأسفار و المنظومة** (در دو مجلد) (سیدصدرالدین کوپایی)؛ **تبیین معانی نمادین عناصر معماری اسلامی عصر صفوی** (آثار میدان نقش جهان (امام اصفهان)؛ **تکامل اخروی در چشم انداز صدرایی؛ رساله عدم؛ مجموعه سخنرانی‌های نخستین همایش مکتب فلسفی اصفهان؛ مجموعه مقالات برگزیده دومین همایش مکتب فلسفی اصفهان (در چهار مجلد).**

در این جا، با سپاس از الطاف ایزد بی‌همتا، از تمامی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی،

مسئولان اجرایی و دست‌اندرکاران این همایش به شرح زیر صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نماییم:

اعضای شورای سیاست‌گذاری:

**دکتر هوشنگ طالبی** (رئیس دانشگاه اصفهان)، **دکتر امیر رحیمی** (معاون پژوهشی)، **حجة الإسلام والمسلمین دکتر جعفر شانظری** (معاون فرهنگی)، **حجة الإسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه** (رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)، **حجة الإسلام والمسلمین حاج شیخ حسن مظاهری** (نماینده حوزه علمیه اصفهان)، **دکتر مسعود احمدی** (مدیر کل صدا و سیما مرکز اصفهان)، **دکتر مهدی جمالی‌نژاد** (شهردار اصفهان)، **دکتر محمد امیری** (رئیس دانشگاه آزاد خوراسگان)، **دکتر حسین کلباسی‌اشتری** (استاد تمام گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی).

اعضای کمیته علمی:

**دکتر مهدی امامی‌جمعه**، **دکتر محمد بیدهندی**، **دکتر قاسم پورحسن**، **دکتر مرتضی حاج‌حسینی**، **دکتر مجید حمیدزاده**، **دکتر مهدی دهباشی**، **دکتر فروغ‌السادات رحیم‌پور**، **دکتر ابراهیم رضایی**، **دکتر جعفر شانظری**، **دکتر حسین کلباسی‌اشتری**، **دکتر محسن محمدی‌فشارکی**، **دکتر محمد مهدی مشکاتی**، **دکتر اصغر منتظرالقائم**، **دکتر حامد ناجی‌اصفهانی**، **حجة الإسلام والمسلمین حاج شیخ مجید هادی‌زاده**.

رئیس محترم مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، جناب حجة الإسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه که همانند همایش قبلی با بزرگواری، چاپ و انتشار آثار این دوره را نیز تقبل فرمودند. در این‌جا از همه مسئولان و مدیران، معاون مالی و اداری، معاون پژوهشی، واحد چاپ و انتشارات و سایر دست‌اندرکاران این مؤسسه صمیمانه سپاسگزاری می‌نماییم.



رئیس محترم دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، دکتر محمد امیری و همچنین، معاون محترم پژوهشی آن دانشگاه، جناب آقای دکتر احمدرضا مساح که پرداخت حق‌التحقیق شماری از آثار را بر عهده گرفتند.

جناب آقای سعید محمدی، دبیر محترم کمیته اجرایی همایش که تلاش پی‌گیر و بی‌وقفه ایشان سهم عمده‌ای در به ثمر رساندن اولین و دومین همایش مکتب فلسفی اصفهان داشت.

خانم فریده کوه‌رنگ‌بهشتی، مسئول محترم دبیرخانه همایش که در برگزاری هرچه بهتر همایش نقشی به‌سزا ایفا کردند.

در پایان از تمامی عزیزان و سرورانی که در این همایش از الطافشان بهره‌مند بودیم، به‌ویژه از راهنمایی‌ها و کمک‌های دلسوزانه آقایان دکتر امیر رحیمی (معاون محترم پژوهشی و فناوری دانشگاه اصفهان)، حجة الإسلام والمسلمین حاج‌شیخ حسن مظاهری، دکتر حسین کلباسی‌اشتری و سایر همکاران، دانشجویان عزیز و کارمندان محترم دانشکده ادبیات و علوم انسانی که در این مقدمه کوتاه مجال ذکر نامشان نیست، سپاسگزاریم.

### علی کرباسی‌زاده اصفهانی

دبیر علمی دومین همایش مکتب فلسفی اصفهان



«وَأَنى إِمرؤٌ لَا يُدرك الدَّهرَ غایتی  
وَلَا تَصِلُ الأیدی إِلَى سَبَرِ أغواری  
أُخالطُ أبناءَ الزَّمانِ بمقتضى  
عقولهم كَيْلاً تَفوهوا بِإنكارى  
وَأُظهِرُ أَنى مِثْلهم تَسْتَفِزنى  
صروفُ اللیالی بِإحتلاءِ وِإمرارى»  
(بهایى)

«من آن یگانۀ دهرم که وصف فضل مرا  
نوشته منشی قدرت به هر در و دیوار  
به هر دیار که آیی حکایتی شنوی  
به هر کجا که روی ذکر من بود در کار  
تو قدر من شناسی مرا به کم مفروش  
بهاییم من و باشد بهای من بسیار»  
(بهایى)



## فهرست مطالب

«هو الحکیم»..... ۵

کوتاه نوشت‌ها..... ۲۱

پیشگفتار..... ۲۳

**فصل اول**..... ۴۱

کلیّاتی از روزگار صفویان..... ۴۱

۱-۱- مختصری از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی..... ۴۱

۱-۲- وضعیت عرفان و تصوّف در عصر صفوی..... ۴۸

۱-۲-۱- صفویان صوفی..... ۴۹

۱-۲-۲- رویارویی علما و صوفیه..... ۵۵

۱-۳- مهاجرت علمای جبل عامل به ایران..... ۵۷

۱-۴- فارسی نگاری در عصر صفوی..... ۶۰

۱-۴-۱- وضعیت شعر در عصر صفوی..... ۶۴

۱-۴-۲- سبک نظم و نثر در عصر صفوی..... ۶۹

**فصل دوم**..... ۷۷

زندگانی شیخ بهایی..... ۷۷

۱-۲- نسب و خاندان..... ۷۷

۱-۲- ولادت..... ۷۸

- ۳-۲- پدر ..... ۸۰
- ۴-۲- مهاجرت خانواده بهاء‌الدین به ایران ..... ۸۳
- ۵-۲- شیخ الاسلام، بهاء‌الدین محمد ..... ۸۵
- ۶-۲- سفرهای شیخ بهایی ..... ۸۸
- ۷-۲- گذران زندگی ..... ۹۱
- ۸-۲- خانه شیخ بهایی در اصفهان ..... ۹۲
- ۹-۲- برادر ..... ۹۴
- ۱۰-۲- پدر زن ..... ۹۵
- ۱۱-۲- همسر ..... ۹۶
- ۱۲-۲- استادان ..... ۹۶
- ۱۳-۲- شاگردان ..... ۹۷
- ۱۴-۲- روابط شیخ با میرداماد ..... ۱۰۲
- ۱۵-۲- روابط شیخ با میر فندرسکی ..... ۱۰۵
- ۱۶-۲- روابط شیخ با شاه عباس ..... ۱۰۷
- ۱۷-۲- چند نکته تازه درباره شرح حال شیخ بهایی از تذکره عرفات العاشقین ..... ۱۰۹
- ۱۸-۲- وفات ..... ۱۱۲
- ۱۹-۲- سال‌شمار زندگی شیخ بهایی ..... ۱۱۶
- ۲۰-۲- اخلاف شیخ بهایی ..... ۱۱۹
- ۲۱-۲- چهره و پوشش ..... ۱۲۱
- ۲۲-۲- تصویر شیخ بهایی در اصفهان ..... ۱۲۲
- ۲۳-۲- بینش و منش ..... ۱۲۳
- ۲۳-۲- شیخ بهایی و تصوّف ..... ۱۲۹

۱۳۲	.....	۲-۲۴-مقام و منزلت علمی شیخ بهایی
۱۳۵	.....	۲-۲۵-کرامات و خوارق عادات
۱۳۶	.....	۲-۲۶-آنچه در معماری و مهندسی و علوم غریبه به شیخ بهایی منسوب است
۱۳۸	.....	۲-۲۷-زندگی ادبی شیخ بهایی
۱۴۳	.....	<b>فصل سوم</b>
۱۴۳	.....	تألیفات شیخ بهایی
۱۴۳	.....	۳-۱-مقدمه
۱۴۴	.....	۳-۲-قرآن و تفسیر
۱۴۵	.....	۳-۳-حدیث
۱۴۶	.....	۳-۴-ادعیه
۱۵۰	.....	۳-۵-فقه
۱۵۴	.....	۳-۶-عقاید و کلام و فلسفه
۱۵۵	.....	۳-۷-اصول فقه
۱۵۶	.....	۳-۸-اخلاق
۱۵۷	.....	۳-۹-رجال و درایه
۱۵۷	.....	۳-۱۰-تاریخ
۱۵۸	.....	۳-۱۱-صرف و نحو
۱۵۹	.....	۳-۱۲-معانی و بیان
۱۵۹	.....	۳-۱۳-طب
۱۶۰	.....	۳-۱۴-عرفان
۱۶۱	.....	۳-۱۵-هیأت و نجوم

- ۱۶۳-۳-۱۶-ریاضیات.....
- ۱۶۵-۳-۱۷-علوم غریبه.....
- ۱۶۵-۳-۱۸-ادبیات.....
- ۱۶۸-۳-۱۹-موضوعات متفرقه.....

### فصل چهارم.....

- ۱۸۱- نقد و تحلیل آثار فارسی شیخ بهایی.....
- ۱۹۹-۴-۱-۱-نسخه‌های خطی و چاپی نان و حلوا یا سوانح الحجاز.....
- ۲۰۰-۴-۱-۲-انتساب.....
- ۲۰۰-۴-۱-۳-ساختار و محتوا.....
- ۲۱۶-۴-۱-۴-ویژگی‌های سبکی.....
- ۲۲۰-۴-۱-۵-تأثیر پذیری شیخ بهایی از مولوی در نان و حلوا.....
- ۲۲۲-۴-۱-۶-تقلید از نان و حلوا.....
- ۲۳۰-۴-۲-۱-نسخه‌های خطی و چاپی شیر و شکر.....
- ۲۳۱-۴-۲-۲-انتساب.....
- ۲۳۱-۴-۲-۳-ساختار و محتوا.....
- ۲۳۶-۴-۲-۴-ویژگی‌های سبکی.....
- ۲۴۰-۴-۳-نان و پنیر.....
- ۲۵۵-۴-۳-۱-نسخه‌های خطی و چاپی نان و پنیر.....
- ۲۵۶-۴-۳-۲-انتساب.....
- ۲۵۸-۴-۳-۳-ساختار و محتوا.....
- ۲۶۶-۴-۳-۴-ویژگی‌های سبکی.....
- ۲۷۱-۴-۳-۵-نان و پنیر در جواب نان و حلوا.....



- ۲۷۴ ..... ۴-۴- نان و خرما
- ۲۷۴ ..... ۴-۴-۱- نسخه‌های خطی و چاپی نان و خرما
- ۲۷۶ ..... ۴-۴-۲- انتساب
- ۲۷۸ ..... ۴-۵- «شیخ ابوالپشم»
- ۲۸۱ ..... ۴-۵-۱- نسخه‌های خطی و چاپی شیخ ابوالپشم
- ۲۸۲ ..... ۴-۵-۲- انتساب
- ۲۸۳ ..... ۴-۵-۳- ساختار و محتوا
- ۲۸۵ ..... ۴-۵-۴- ویژگی‌های سبکی
- ۲۸۷ ..... ۴-۶- «در رموز اسم اعظم»
- ۲۹۱ ..... ۴-۶-۱- نسخه‌های خطی و چاپی
- ۲۹۲ ..... ۴-۶-۲- انتساب
- ۲۹۳ ..... ۴-۶-۳- ساختار و محتوا
- ۲۹۴ ..... ۴-۶-۴- ویژگیهای سبکی
- ۲۹۶ ..... ۴-۶-۵- اسم اعظم در ادبیات فارسی
- ۲۹۸ ..... ۴-۷- «فی تعبیر الرؤیاء»
- ۳۰۵ ..... ۴-۷-۱- نسخه خطی و چاپی
- ۳۰۵ ..... ۴-۷-۲- انتساب
- ۳۰۶ ..... ۴-۷-۳- ساختار و محتوا
- ۳۰۹ ..... ۴-۷-۴- آشفته‌گی ابیات
- ۳۱۰ ..... ۴-۷-۵- ویژگیهای سبکی
- ۳۱۲ ..... ۴-۸- طوطی‌نامه و نسخه‌های خطی آن
- ۳۱۴ ..... ۴-۸-۱- انتساب
- ۳۱۶ ..... ۴-۹- محتوای اشعار شیخ بهایی

- ۳۲۲ ..... ۱۰-۴- سبک اشعار شیخ بهایی
- ۳۲۷ ..... ۱۱-۴- جامع عباسی
- ۳۳۰ ..... ۱-۱۱-۴- نسخه‌های خطی و چاپی
- ۳۳۱ ..... ۲-۱۱-۴- ساختار
- ۳۳۲ ..... ۳-۱۱-۴- نکته‌ها
- ۳۳۹ ..... ۱۲-۴- پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش
- ۳۳۹ ..... ۱-۱۲-۴- نسخه‌های خطی و چاپی
- ۳۴۰ ..... ۲-۱۲-۴- انتساب
- ۳۴۵ ..... ۳-۱۲-۴- صورت تربیی اتفاقات و بحثهای جریان داستان
- ۳۵۵ ..... ۴-۱۲-۴- تحلیل ساختاری
- ۳۵۸ ..... ۵-۱۲-۴- تحلیل شخصیت‌های داستان
- ۳۶۱ ..... ۶-۱۲-۴- بررسی مایه‌های طنز اثر
- ۳۶۲ ..... ۷-۱۲-۴- چند مورد از اشکال‌های متن گربه و موش
- ۳۶۹ ..... ۸-۱۲-۴- مناظره یا مجادله
- ۳۷۱ ..... ۹-۱۲-۴- نوع داستانی
- ۳۷۵ ..... تصاویر
- ۴۰۷ ..... پی‌نوشت‌ها:
- ۴۱۵ ..... منابع و مآخذ:

## کوتاه نوشتها

بیت .....	ب
ابیات .....	بب
جلد .....	ج
صفحه .....	ص
صفحات .....	صص
موش .....	م
گر به .....	گ
رجوع کنید به .....	ر.ک



## پیش‌گفتار

پس از نام و یاد آفریدگار یگانه بی‌انبار، پروردگار بلند مرتبه بی‌نیاز و آموزگار بی‌همتای کارساز، و سلام و درود بر خاتم انبیاء الهی، محمد مصطفی و سلاله پاک او و درود بیکران بر خاتم اوصیا و وارث انبیا که بی‌نور مهدویش راست‌کاری و هدایتی نیست و بی‌سایه سروریش، عزّت و کرامتی نه.

بهاءالدین محمد عاملی، مشهور به شیخ بهایی، از بزرگان قرن دهم و یازدهم هجری است و دوران زندگی وی، با سلطنت شاه تهماسب صفوی، شاه اسماعیل دوم، محمد خدابنده و مهم‌تر از همه، شاه عباس کبیر، هم‌زمان بوده است. شخصیت عجیب و چندجانبه او و مقبولیت عامی که در آن زمان یافته بود، منشأ اقوال و روایات مختلف و گاه متناقضی درباره اوست که سؤالات بسیاری را درباره زندگانی و تفکر او برانگیخته است. اختلاف نظر در مورد زندگی او بسیار است به طوری که تقریباً در مورد هیچ کدام از وقایع زندگی او اتفاق نظر کلی وجود ندارد.

قول اصحّ این است که وی در ۲۷ ذی‌الحجه سال ۹۵۳ هـ.ق. در بعلبک دیده به جهان گشود و در دوازدهم شوال سال ۱۰۳۰ هـ.ق. در اصفهان دیده از جهان فرو بست. اما در مورد تاریخ و محل تولّدش در تذکره‌ها و تراجم احوال اختلاف است. او و خانواده‌اش از جمله مهاجرانی بودند که در زمان شاه تهماسب صفوی، از جبل عامل به ایران مهاجرت کردند. این مهاجرت‌ها ادامه کوچیدن‌هایی بود که در قرن هشتم، در زمان محمد خدابنده اولجایتو، شروع شده بود و در عهد صفوی به اوج خود رسید.

در مورد علل این مهاجرت‌ها همان طور که درباره مهاجرت گروه‌هایی از شاعران ایرانی به هند سخن‌ها رفته، بحث‌ها و اظهار نظرهایی شده است. عده‌ای معتقدند که علت اصلی این مهاجرت‌ها سخت‌گیری شاهان عثمانی، نسبت به علمای شیعه و در مقابل محیط مساعد و مناسب ایران برای فعالیت عالمان و نشر عقاید شیعه، در دولت شیعه صفوی، بوده است (ر.ک. استوارت، ۱۳۸۷: ۱۰۰-۱۰۱ به نقل از المهاجر، ۱۹۸۹). گروهی گفته‌اند در مورد این مهاجرت‌ها مبالغه شده و نه تعداد علمای مهاجر آنقدرها قابل توجه بوده است و نه این‌که سخت‌گیری دولت عثمانی آن‌چنان، که موجب جلای وطن این گروه باشد (ر.ک. همان به نقل از نیومن، ۱۹۹۳: ۶۶-۱۱۲).

در این میان علت و تاریخ مهاجرت خانواده بهاء‌الدین به ایران، یکی از موارد دیگر تفاوت آرا است. پدرش، حسین بن عبدالصمد، از علمای بنام جبل عامل بود. گروهی علت اصلی مهاجرت حسین بن عبدالصمد به همراه خانواده‌اش را، شهادت دوست و استادش زین‌الدین عاملی، معروف به شهید ثانی، می‌دانند. این در حالی است که تحقیقات انجام شده در این باره نشان داده است که پدر شیخ بهایی چند سالی پیش از شهادت زین‌الدین، از او جدا شده به عراق سفر کرد و از آن‌جا به ایران آمده است (حدوداً چهار سال پیش از شهادت زین‌الدین، یعنی در سال ۹۶۱ هـ. (ر.ک. استوارت، ۱۳۸۵: ۶-۱۰).

مواردی از قبیل این‌که برادر شیخ، عبدالصمد، از وی کوچک‌تر بوده یا بزرگ‌تر؟ این نکته که آیا شیخ در سفر حج پدرش را همراهی کرده است یا نه؟ این‌که آیا شیخ بهایی، پس از رفتن پدرش، به دستور شاه شیخ الاسلام هرات بوده است یا خیر؟ این مسأله که آیا شیخ بهایی به دستور شاه عباس شیخ الاسلام اصفهان شده است یا پیش از او نیز عهده دار این منصب در اصفهان بوده است؟ این‌که آیا واقعاً چنان‌که منابع ذکر کرده‌اند شیخ از این منصب استعفا داده است؟ و نیز این‌که آیا سفری که در زمان شیخ الإسلامیش وی را از ایران برانگیخته و به دیار عرب کشانده است، آنچنان‌که

تذکره نویسان گفته‌اند تنها به انگیزه حج و شوق زیارت خانه خدا و قبر پیامبر اکرم (ص) بوده است یا نشانه اعتراض به حکومت وقت و کناره‌گیری از مناصب وابسته به دولت و دربار صفوی؟ و همچنین مدت این سفر، مورد سؤال‌هایی است که ذهن محققان بسیاری را به خود مشغول داشته است و با این حال پاسخ واحد و مؤثقی برای آن‌ها وجود ندارد.

موارد ذکر شده تنها گوشه‌ای از اختلاف نظرهایی است که درباره شیخ وجود دارد. این اختلاف‌ها گاه به حدی می‌رسد که گروهی شیخ را شخصیتی درباری و شهرت طلب و عده‌ای دیگر همو را عارفی از دنیا گذشته و واصل معرفی می‌کنند. گروهی از اهل تصوف (نوربخشیه) او را در زمره شیوخ خود به شمار آورده، وی را صوفی می‌نامند (ر.ک. معصوم علی شاه، بی تا: ۱، ۱۸۳) و عده‌ای رساله گربه و موش را دلیلی بر مخالفت او با تصوف به شمار می‌آورند. اهل سنت او را سنی مذهب و اهل تشیع او را شیعه می‌دانند. اختلافاتی تا این حد، اگرچه موجب تشتت آرا و مبهم ساختن تصویری است که از شیخ در اذهان شکل گرفته، در عین حال می‌تواند نشانه وسعت مشرب شیخ و شخصیت همه جانبه‌اش باشد. البته لازم به یادآوری است که بسیاری از این اختلافات، از عدم اطلاع و آگاهی صحیح از جوانب گوناگون زندگی شیخ بهایی ناشی می‌شود.

آثار فراوانی در زمینه‌های مختلف علوم عصر همچون ریاضیات، حساب، تفسیر، حدیث، فقه، عرفان، اشعار فارسی و عربی، علوم ادبی، نجوم و حتی علوم غریبه، به او منسوب شده است. به گفته برخی از تذکره نویسان این تألیفات قریب به صد اثر است. صحت انتساب بسیاری از این آثار مورد تردید و موضوعی است که تا کنون چندان به آن توجه نشده و محتاج بررسی و تحقیق است.

نبوغ شیخ بهایی در معماری و مهندسی و علوم غریبه مشهور بوده و افسانه‌هایی درباره ابداعات و اختراعات وی وجود دارد که از وی شخصیتی اسطوره‌ای و ابهام

برانگیز ساخته است. به طور کلی شخصیت شگفت شیخ بهایی و مهارت و توانایی او در علوم مختلف و نیز مقام و مرتبه بلندی که در دربار شاه از آن برخوردار و احترام و بزرگداشتی که در میان مردم از آن بهره‌ور بوده است، باعث شده تا خاص و عام، هر کار بزرگ و خارق‌العاده‌ای را به او نسبت دهند و هر رویداد نیک و شگفتی را که از درک علت و سبب آن در مانده‌اند از آثار نفس روحانی او قلمداد کنند. معماری مسجد شاه اصفهان، مهندسی حصار نجف، ساختن ساعت آفتابی یا ظلی، تقسیم آب زاینده رود، طرح ریزی کاریز نجف‌آباد (قنات زرین کمر)، تعیین سمت قبله مسجد شاه اصفهان، ساختن سفیداب، سنگی که بر آن نقشی حک کرد و برای دفع وبا در محال شیراز در سرحد ایران زیر خاک کردند و گفته‌اند که این سنگ را در زمان حسینعلی میرزا فرمانفرما، پسر فتحعلی‌شاه، از زیر خاک در آورده به انگلیسی‌ها فروختند، سنگ دیگری که برای دفع طاعون در اصفهان دفن کرد و نیز ساختمان گلخن گرمابه‌ای در اصفهان (حمام شیخ بهایی) چنان‌که با شمعی گرم می‌شد (ر.ک. نفیسی، ۱۳۱۶: ۶۷-۷۱) همه و همه از ابتکارات و بدایعی است که به نام او ثبت افتاده است. گذشته از این‌ها خوارق عاداتی نیز به شیخ منسوب است. از جمله این‌که در مستدرک الوسایل اشاره شده است چون سید ماجد بحرینی به اصفهان نزد بهایی رفت، بهایی را تسبیحی از تربت حسینی در دست بود و مانند شعبده کاران در راه آب از آن می‌ریخت! مؤلف مستدرک الوسایل سپس افزوده است که مردم هر نادره غریب و شگفتی را به او نسبت داده‌اند و بیش‌تر آن‌ها دروغ است (ر.ک. همان: ۷۲-۷۶).

همان‌طور که جهانبخش اشاره می‌کند «روابط گسترده و دامنه دار شیخ با کثیری از هم‌روزگاران‌ش سبب گردیده تا اطلاعات ذی‌قیمت و ارزنده‌ای از چگونگی‌های زندگانی او به ثبت افتد» (جهانبخش، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۶). وی برای نمونه از گزارش‌هایی یاد می‌کند که ادهم خلخالی (م. ۱۰۵۲ ق.) در «سبحات الأنوار»، درباره احوال و رفتار و منش شیخ بهایی به دست داده است. اما با این وجود به خاطر



در آمیختن زندگی شیخ با افسانه‌ها و داستان‌های عامیانه، نمی‌توان به بسیاری از گفته‌ها و نوشته‌ها دربارهٔ او اعتماد کرد.

علاوه بر آنچه در تذکره‌ها و تراجم احوال در بارهٔ وی آمده است، تا امروز تحقیقات و پژوهش‌هایی در رابطه با وی و آثارش صورت گرفته و کتاب‌ها و مقالات بسیاری به بحث و بررسی شخصیت و آثار او پرداخته‌اند. قدیم‌ترین مأخذی که در احوال شیخ در دست است، تاریخ عالم آرای عباسی است که معاصر شیخ، اسکندر بیگ، منشی دربار شاه عباس، تصنیف و در سال ۱۰۳۸ به پایان رسانده است. یعنی هشت سال پس از مرگ شیخ بهایی. اما تذکره‌ای نیز با عنوان «عرفات العاشقین» وجود دارد که در زمان زندگی شیخ بهایی نوشته شده است و چنان‌که پس از این اشاره خواهد شد، شامل اطلاعات ذی‌قیمتی دربارهٔ اوست که متأسفانه تا کنون مورد توجه قرار نگرفته است.

کتاب‌هایی که به صورت تک‌نگاری، به تحقیق و تفحص در رابطه با وی اختصاص یافته باشد بسیار اندک و انگشت‌شمار است؛ متقدّمان دربارهٔ وی سه رسالهٔ جداگانه نگاشته‌اند که اولی به دست نرسیده و دومی در مجموعهٔ رسائل رجالی به چاپ رسیده است و دست‌نویس سومی را جويا جهانبخش دیده و گفته از چاپ شدن یا چاپ ناشدن آن بی‌خبر است:

- رساله‌ای که مظفرالدین علی از شاگردان او تألیف کرده است.

- رساله‌ای که میرزا ابوالمعالی بن حاج محمد ابراهیم کلباسی در احوال شیخ نوشته است.

- رساله‌ای که مرحوم معلّم حبیب آبادی صاحب «مکارم الآثار» دربارهٔ زندگی

شیخ پرداخته است (ر.ک. جهانبخش، ۱۳۸۷: ۲۴-۲۵).

در اینجا برای تبیین اهمّیت بررسی مجدّد این موضوع، تعدادی از تک‌نگاری‌های

موجود در رابطه با شیخ بهایی و احوال و اشعار او، به اجمال معرفی می‌شود.

- «احوال و اشعار فارسی شیخ بهایی»، سعید نفیسی. ۱۳۱۶. تهران: چاپخانه اقبال.

در این کتاب استاد سعید نفیسی، به بررسی منابع متقدم درباره شیخ بهایی پرداخته است و تقریباً تمام آنچه را که پیش از آن تاریخ درباره شیخ نگاشته شده، مطالعه کرده و نتایج به دست آمده را در این کتاب ارائه کرده است. این کتاب از آن جهت که اولین کتاب فارسی در این زمینه است و راه‌گشای تحقیقات بعدی در این باب شده، حائز اهمیت بسیار است. کتاب‌هایی که پس از این کتاب نوشته شده، همگی از این اثر بهره گرفته و اطلاعات آن را به عنوان مرجعی جامع مورد استفاده قرار داده‌اند. نفیسی در تألیف این کتاب از مراجع فارسی، عربی، ترکی، و اروپائی (فرانسه و انگلیسی) استفاده کرده است.

- «کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی»، سعید نفیسی. ۱۳۷۲. تهران: چکامه.

این کتاب مقدمه‌ای دارد که عیناً همان یادداشت‌های سعید نفیسی در کتاب احوال و اشعار فارسی شیخ بهایی است. و تنها تفاوت آن با کتاب اخیر، این است که تمام آنچه را سعید نفیسی، به عنوان اشعار فارسی شیخ بهایی، سراغ داشته در این کتاب آورده است. از جمله مثنوی‌های نان و حلوا، شیر و شکر، نان و پنیر، و قصه منشور پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش. ابیاتی از مثنوی‌های پراکنده که به شیخ منسوب بوده، غزلیات، قطعات و رباعیاتی نیز در این کتاب به نام شیخ ثبت شده است. ولی از ابیاتی که وی به اشتباه از شیخ دانسته و آن را «طوطی نامه» نامیده است، خبری نیست. شاید نفیسی، در نظر داشته این ابیات را که گمان می‌کرده نسخه‌ای منحصر به فرد است، بعدها به طور جداگانه منتشر کند. ولی این ابیات هیچ‌گاه با نام شیخ بهایی منتشر نشد. طوطی‌نامه مذکور، قسمتی است از مثنوی «طاق‌دیس» مرحوم ملا احمد نراقی که صفایی تخلص می‌کرده و احتمالاً کاتبی این تخلص را به اشتباه، به بهایی تغییر داده است.

«کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهاء‌الدین محمد‌العاملی مشهور به شیخ بهایی»، غلام‌حسین جواهری. بی‌تا. تهران: کتاب‌فروشی محمودی.

در آغاز این کتاب، غلام‌حسین جواهری مقدمه‌ای به قلم خود درباره شهرت او، ذی فنون بودن وی، سبک او در آثار و اشعارش، شیوه تقلیدی او در سرودن اشعار و مسلک و روش اخلاقی او، نوشته است و پس از آن، وصفی را که در کتاب خیر البیان، تألیف شاه حسین سیستانی، تحت عنوان «ذکر افضل المتأخرین و اعلم المجتهدین بهاء‌الملّه والدین محمد» درباره شیخ وجود داشته است، به خاطر جامع بودن آن، به کتاب خود ضمیمه کرده که حدوداً دو صفحه است. در ادامه، شرحی از زندگی شیخ ارائه کرده، ولی به درستی روشن نکرده است که آیا این شرح را خود نگاشته یا از منبع و مصدر خاصی ذکر کرده است. تنها در آغاز این شرح آمده که: «چون این مقدمه با مراجعه به مأخذ نسبتاً صحیح تهیه شده و شامل ذکر اقوال تذکره نویسان است، با مختصر تصرفی، آن را به عنوان شرح زندگی و خصوصیات نام و نسب و تاریخ تولّد و وفات، میزان دانش و تحصیلات، سیر و سیاحت، عقاید و افکار و آثار شیخ بهایی، در این مجلد نقل می‌کنیم.» در ضمن این شرح تنها در بعضی موارد ذکر کرده که مرجع مورد نظر او کتاب نفیسی بوده است. ولی به طور کلی یا ارجاعات ندارد، یا این که سال و شماره صفحه کتاب ذکر نشده است.

در ادامه، متن کامل نان و حلوا، شیر و شکر، نان و پنیر، اشعار پراکنده شیخ شامل مثنویات، قصاید، مخمس و مستزاد، غزلیات، رباعیات، مثنوی رموز اسم اعظم و موش و گربه را می‌آورد. یکی از مشخصه‌های این کتاب، این است که جواهری برای هر کدام از اشعار پراکنده، غزلیات، قطعات، رباعیات و ابیاتی که ذکر می‌کند، نامی انتخاب کرده است. مثل غرور و شکایت، عمر عزیز، آرزوی محال، رشته ایمان و .... وی در میان اشعار پراکنده شیخ، پاره‌ای از مثنوی «طاق‌دیس» را آورده که پیش از این نیز به آن اشاره شد و سعید نفیسی آن را «طوطی نامه» نامیده و در کتاب احوال

و اشعار شیخ بهایی، قسمتی از این طوطی نامه را به عنوان نمونه نقل کرده است. جواهری در کتاب خود همان داستانی که نفیسی از این مثنوی نقل کرده را با عنوان «گنج بادآورد» ذکر کرده است. بیت آغازین این داستان چنین:

«آن یکی طرّار از اهل دوان رفت تا دکان بقالی روان»

و بیت پایانی آن، این است:

«دردها دارم به دل از روزگار محرمی کو تا کنم درد آشکار»

پایان کتاب نیز ضمیمه‌ای دارد با عنوان شرح نام‌ها، شرح اصطلاحات علمی و فلسفی، ترجمه اشعار و عبارات مهم عربی، شرح اصطلاحات صوفیه و معانی لغات مشکل.

- «بهاء الدین العاملی، ادیباً و شاعراً و عالماً»، محمد التونجی. ۱۴۰۵ق. دمشق: المستشاریه الثقافیه للجمهوریه الاسلامیه الایرانیّه.

محمد التونجی، استاد دانشگاه حلب، این کتاب را به درخواست دفتر فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دمشق، تدوین کرده است. صادق آئینه‌وند، مشاور فرهنگی ایران در دمشق، در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته، آن را «دیوان الشیخ بهاء الدین العاملی» نامیده است. وی به این نکته اشاره کرده است که این برای نخستین بار است که اشعار شیخ بهایی در مجموعه‌ای گردآوری شده است. ولی پیش از این نیز چنان‌که مؤلف الامل الآمل، حسن حرّ عاملی، ذکر می‌کند، پسرش محمدرضا حرّ عاملی به گردآوری این اشعار پرداخته و از آن‌ها دیوان لطیفی فراهم آورده بوده که متأسفانه امروز به دست نرسیده است (ر.ک. عبّاس، ۱۳۸۹: ۳۵۸). وی تألیفات ادبی و علمی او را معرفی و مقام و مرتبه ادبی و علمی‌اش را بیان کرده و به جمع‌آوری و شرح اشعار پراکنده او پرداخته است. این اثر به زبان عربی است و توجّه آن بر جمع‌آوری اشعار عربی شیخ بهایی متمرکز بوده است.

و اما آخرین تک‌نگاری در این زمینه:

- «بهاء‌الدین العاملی، ادیباً و فقیهاً و عالماً»، تألیف دلال عباس. ۱۴۳۰ هـ.ق.

بیروت: دارالمؤرخ العربی.

این کتاب که در اصل پایان‌نامه دکتری خانم دکتر دلال عباس، استاد ادبیات اسلامی و زبان فارسی دانشگاه لبنان است، در سال جاری، به مناسبت چهارصدمین سال درگذشت شیخ بهایی (م. ۱۰۳۰ هـ.ق.) تجدید چاپ شده است. چاپ اول این کتاب در سال ۱۹۹۰ م. (۱۳۶۹ هـ.ش.) در بیروت منتشر شده است. دلال عباس در تحقیق این کتاب اکثر منابع عربی و فارسی را دیده است. با این وجود طبیعی است که استفاده او از منابع عربی بیش‌تر بوده باشد. از این جهت این کتاب حکم دایره‌المعارفی را دارد که نویسنده در آن تمام آنچه در منابع عربی پیش از او آمده بوده، گرد آورده است.

دکتر دلال عباس، در مورد نقد و بررسی اشعار شیخ، شعر عربی او را با توجه به این‌که کتاب محمد التونجی را به عنوان کاری در زمینه شعر عربی شیخ در اختیار داشته است به تفصیل مورد بررسی قرار داده (صص ۳۵۳-۴۳۱) ولی در معرفی و تحلیل اشعار فارسی شیخ از آن‌جا که هیچ منبع و مأخذی که به این اشعار پرداخته باشد در دست نداشته، به اشاره‌ای گذرا به موضوع، تعداد ابیات، وزن و معرفی مضمون و محتوای مثنوی‌های شیخ از جمله نان و حلوا (۱۷ صفحه)، نان و پنیر (۶ صفحه) و شیر و شکر (۸ صفحه) بسنده کرده و هر فصل این مثنوی‌ها را با عنوان قصیده، مورد بررسی محتوایی قرار داده است. وی همچنین پاره‌ای از ابیات مثنوی‌های فارسی شیخ را به عربی ترجمه کرده است. با این‌که انتساب طوطی‌نامه به شیخ بهایی به یقین رد شده است، دلال عباس آن را نیز در زمره مثنوی‌های شیخ ذکر کرده (۲ صفحه) و تقریباً تمام آنچه را نفیسی در این باره آورده، نقل کرده است.

دلال عباس دربارهٔ تردید در انتساب آثار فارسی شیخ مطلبی نیاورده است و گویا انتساب نان و پنیر و طوطی نامه به شیخ را بدون ذکر مطالبی که در ردّ انتساب آن‌ها به شیخ در منابع فارسی موجود است، مسلم دانسته است. البته در این مورد چنان‌که پیش از این نیز ذکر شد، باید توجه داشت که این اثر پایان‌نامهٔ دکتری ایشان بوده و حدود بیست سال پیش به چاپ نخست رسیده است. بنابراین طبیعی است که در نقل مطالب خالی از یافته‌های تحقیقات اخیر باشد. به هر حال این کتاب در زمان خودش تحقیق نسبتاً کامل و جامعی بوده و نپرداختن به چنین مسائلی نمی‌تواند از ارزش و اهمیت این کتاب، در نوع و زمان خودش، بکاهد.

یکی از کارهای ارزشمندی که در همین سال‌های اخیر در رابطه با شیخ بهایی انجام شده، گردآوری بسیاری از مقالات و گفتارهایی است که به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی دربارهٔ شیخ وجود داشته است. گفتارها و نوشتارهای لاتین را دوین جی. استوارت به زبان انگلیسی ترجمه کرده و بر آن‌ها یادداشت‌هایی نوشته، که با ویرایش محمد کاظم رحمتی به چاپ رسیده است. این مجموعه زیر نظر معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم، در سه مجلد منتشر شده است.

پژوهش ارزشمند دیگری که دربارهٔ آثار شیخ بهایی انجام شده است، تحقیق محسن ناجی نصرآبادی است که با عنوان «کتابشناسی شیخ بهایی» در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است. نکته‌ای که در رابطه با این کتاب حائز اهمیت است این‌که عنوان کتاب، معرفّ درستی برای محتوای آن نیست چرا که مطابق با عنوان، کتاب باید به معرفّی و بررسی تمام آثاری که در رابطه با شیخ بهایی است پرداخته باشد. ولی این اثر تنها کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی آثار شیخ بهایی است و باید آن را «کتابشناسی آثار شیخ بهایی» نامید. گردآورندهٔ اطلاعات این کتاب، بسیاری از فهرست‌های موجود را بررسی کرده و پس از معرفّی کوتاهی در باب هر اثر، نسخه‌های خطّی و چاپی آن را معرفّی کرده است. نکتهٔ دیگر دربارهٔ این کتاب این‌که برخی از نسخه‌های

خطی و چاپی آثار از نظر گردآورنده دور مانده است و اگرچه کار ارزشمند و قابل ستایشی در این زمینه است نیازمند بازنگری و بررسی است. این کتاب مهمترین اثری است که درباره آثار شیخ بهایی پرداخته شده است و استفاده از آن اولین قدم برای تحقیق و پژوهش در باب آثار شیخ بهایی تواند بود.

امروز پس از سی سال که از تألیف آخرین تک‌نگاری درباره شیخ بهایی می‌گذرد، لازم است تا بار دیگر این موضوع با توجه به تمام جوانب زندگی شیخ و با استفاده از تمام تحقیقات انجام شده تا این زمان، مورد توجه و بررسی مجدد قرار گیرد.

قسمتی از آثار ارزشمند شیخ را نوشته‌ها و سروده‌های فارسی او تشکیل می‌دهد که هر یک در جای خود درخور توجه بسیار است. این آثار فارغ از ارزش محتوایی آن‌ها و جدای از این‌که از تألیفات دانشمند شهیری چون شیخ بهایی به شمار است، نمونه‌هایی است از نظم و نثر دوره صفویه، که غور و تأمل در آن‌ها می‌تواند روشنگر الگوهای نوشتاری در آن دوره باشد. از این گذشته بررسی محتوا و مسائل مطرح شده در هر یک از این آثار، و تحقیق و تفحص درباره صحت یا عدم صحت انتساب هر یک به شیخ بهایی، تا حد زیادی می‌تواند به روشن شدن گوشه‌های تاریک یا مبهم زندگی و افکار او کمک کند. متأسفانه این آثار آنچنان که باید مورد توجه محققان قرار نگرفته است و در این باره هیچ‌گونه تحقیق یا پژوهش کاملی وجود ندارد.

با توجه به مطالب یاد شده، مسلم است که امروز نیازمند تحقیقات تازه‌تری درباره زندگی و اندیشه‌های این یگانه روزگار هستیم. تحقیقاتی که با استفاده از تمامی منابع و پژوهش‌های پیشین، بدون هیچ‌گونه چشم‌پوشی از نکته‌ها و یافته‌های تازه درباره شیخ و آثارش، با دیدی همه‌جانبه، به بررسی و تحلیل زندگی و آثار او بپردازد.

کتابی که هم اکنون پیش روی شماست، نتیجه مطالعات سال‌های ۸۷-۸۹ است که به عنوان پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، در دانشگاه اصفهان ارائه شده است. امروز که بحمد الله فرصت فراهم شده و این نوشته‌ها برای چاپ آماده می‌شود، چند سالی از آن زمان می‌گذرد و طبیعی است که کار چند سال پیش، نیازمند ویرایش و بازبینی دوباره باشد. بنابراین متن پایان نامه با ویرایش و بازبینی و اندک حذف و اضافات تقدیم نظر خوانندگان دانشور و فاضل می‌شود. البته مطالبی هم هست که به علت تنگی وقت و تعجیل برای آماده ساختن متن، ترجیحاً در این کتاب وارد نشد تا مگر در مقالی دیگر به تفصیل و به دقت مورد بررسی و ارائه قرار گیرند. لازم به ذکر است که بخشی از یافته‌ها و نتایج کلی این پایان نامه، پیش‌تر در مقاله‌ای با عنوان «ناگفته‌هایی درباره آثار فارسی منسوب به شیخ بهایی» که در نشریه «متن شناسی ادب فارسی» (س. ۴، ش. ۳، پاییز ۱۳۹۱) چاپ شده، آمده است.

این پژوهش تلاشی است برای روشن کردن پاره‌ای از مسائل مبهم که در رابطه با شیخ بهایی و آثار فارسی او مطرح بوده است. این کار را می‌توان مقدمه‌ای برای تحقیقات بیش‌تر و کامل‌تر در این باره دانست، که تلاش کرده است تا ضمن بیان ابهامات و تردیدها، تمام اطلاعات موجود درباره آثار فارسی شیخ را گرد آورد و زمینه‌های متعدد و گسترده پژوهش در این موضوع را آشکار کند.

روش تحقیق این اثر همچون اکثر پژوهش‌های ادبیات فارسی، کتابخانه‌ای-اسنادی است. برای شروع کار و آشنایی بیش‌تر با موضوع تحقیق به کتاب «کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی» به مقدمه سعید نفیسی مراجعه شد. می‌توان گفت این کتاب مبنای اصلی کار این پژوهش بوده است. متأسفانه گردآوری تمام منابع موجود درباره شیخ بهایی، به دلیل عدم وجود یک کتاب‌شناسی خوب در این باره کار دشواری است. بنابراین برای شناسایی منابع مورد نیاز، به فهرست کتابخانه‌ها و نیز منابع مورد استفاده تحقیقات موجود و شناخته شده، توجه شده است. پس از مراجعه



به منابع مذکور و مطالعه اطلاعات موجود، با مشورت با اساتید، زمینه اصلی کار چنین طرح ریزی شد که این پایان‌نامه در چهار فصل به بررسی موضوع بپردازد: در فصل نخست دور‌نمایی از اوضاع زمان شیخ به دست داده شده است تا پس زمینه زندگی شیخ برای خواننده روشن باشد.

در فصل دوم به بررسی نکات ارائه شده در تذکره‌ها و تراجم احوال درباره زندگی و شرح حال شیخ بهایی پرداخته شده است. در این فصل تلاش بر این بوده تا ضمن بیان نکات مطرح شده در این باب و گردآوری همه نکات تازه، در موارد لزوم از شیوه انتقاد و بازنگری آرا و نظریات استفاده شود. محور مطالب این فصل اطلاعاتی است که سعید نفیسی در کتاب شرح احوال شیخ بهایی به دست داده است. در فصل سوم با نگاهی به تمام آثار شیخ بهایی اعم از منسوب و مسلم، سعی شده تا ضمن این‌که آثار او بر اساس موضوع طبقه‌بندی و مرتب می‌شود، هر اثر در چند جمله کوتاه و مختصر معرفی شود. اگرچه پرداختن به همه آثار و بررسی کلی آن‌ها در حوصله و توان این بحث و این مقام نبوده است. در این میان آن دسته از آثار شیخ که در هیچ یک از گروه‌های موضوعی قرار نمی‌گرفت، ذیل گروهی با عنوان موضوعات متفرقه قرار داده شد. این دسته شامل آثاری چون «کشکول»، «مخلاه»، «منشآت»، «فالنامه» و... است که تا جایی که در حوصله این مقام بوده به بررسی و معرفی هر یک پرداخته شده است. نکته قابل توجه درباره فصل سوم، این‌که آنچه در این فصل به عنوان تألیفات شیخ بهایی نام برده شده، آثاری است که نسخه خطی به نام شیخ بهایی از آن‌ها وجود دارد یا در جایی به نام او ثبت افتاده است. بنابراین صرف نام بردن از این آثار نشانه تأیید انتساب همه این آثار به شیخ بهایی نیست.

فصل چهارم این پژوهش به معرفی و نقد و بررسی آثار فارسی شیخ، اعم از نظم و نثر پرداخته است. این آثار به ترتیب از این قرار است:

«سوانح الحجاز» یا «نان و حلوا»، «شیر و شکر»، «نان و پنیر»، «نان و خرما»، «شیخ ابوالپشم»، «مثنوی رموز اسم اعظم»، «منظومه در تعبیر رؤیا»، «طوطی‌نامه»، «جامع عباسی» و «پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش».

در مورد آثار فارسی معرفی شده در این فصل، باید این نکته را یادآور شد که تلاش بر این بوده است تا تمام آثار فارسی که به نام شیخ بهایی در جایی ثبت شده است، در یک جا گرد آورده شود و صرف معرفی این آثار، نشانه تأیید انتساب آن‌ها به شیخ بهایی نمی‌باشد.

برای معرفی هر اثر و نقد و بررسی آن ابتدا در صورتی که متن اثر در دسترس و کم حجم بوده و نقل آن در حوصله این نوشتار بوده باشد، متن اثر نقل شده و پس از آن نام و نشان اقدم نسخه‌های خطی و نسخه‌های چاپی اثر ذکر شده است. بررسی انتساب اثر به شیخ بهایی و ذکر موارد انتساب آن و نقد و تحلیل این موضوع با توجه به اطلاعات موجود، معرفی و تحلیل ساختار و محتوای هر یک از آثار و نیز اشاره به پاره‌ای از ویژگی‌های سبکی و نکات برجسته متن اثر، از جمله مسائل دیگری است که در فصل چهارم به آن توجه شده است.

در مسیر انجام هر پژوهش و تحقیق دشواری‌ها و موانعی وجود دارد که گاه ادامه دادن راه را برای محقق و دانشجو دشوار کرده، انگیزه‌های کلی را برای پیگیری یک کار تحقیقی درست از او می‌گیرد. موارد زیر از جمله مشکلاتی است که برای تحقیق درباره شیخ بهایی و آثار او وجود دارد و شایسته است که جهت برطرف کردن آن‌ها اقدامات لازم صورت گیرد:

- عدم وجود کتاب‌شناسی شیخ بهایی.

- تکرار و رو نویسی منابع از روی یکدیگر. به نوعی که می‌توان گفت تحقیق سعید نفیسی شاید تنها مرجع معتبر در این باره باشد که سایر منابع و مراجع موجود

پس از او به اقوال وی در کتابش استناد کرده و گاه یکی اشتباه کوچک وی را بدون

تحقیق درست در چندین منبع پس از او تکرار کرده‌اند.

عدم وجود الگوی معتبر و مناسب برای یقین و بررسی آثار.

عدم وجود الگوی کامل شناسایی الگوهای وجود و عدم شناسایی الگوهای وجود و عدم وجود الگوهای کامل شناسایی که به

تفصیل به بررسی مراحل این کار پرداخته باشد. بنابراین در مورد ذکر و پرچم‌های

سنجی هر اثر، از آنجا که فراوانی آثار مسلم شیخ است، باید به معرفت تا معرفت درست

سنجی آثار وی باشد، یعنی توانایی و پرچم‌های وی را به معرفت تا معرفت درست

در نظر گرفت. این مشخصات تنها با تکرار و ماکرر بر مطالعه این آثار به نظر

رسیده و در این نوشتار ذکر نشده است.

دشواری دسترسی به منابع و مآخذ در ایران. متأسفانه دست‌نهایی به یک کتاب یا

نسخه خطی در کتابخانه‌های مطمین ناشی، جز با تحمل مشقت

بسیار ممکن نیست. در این مورد سوال مطرح است که آیا مسئله این موضوع به

آثار کتبخانه‌ها منوط است به عنوان کتبخانه‌ای از آثار

ارزشمند که به فروری با این کمیته - اسلامی - ایرانی ملی ملی کمیته

و طبقه و طبقه است که آثار معتبره و معتبره است از آثار

معتبره و معتبره است از آثار معتبره و معتبره است از آثار

معتبره و معتبره است از آثار معتبره و معتبره است از آثار

معتبره و معتبره است از آثار معتبره و معتبره است از آثار

معتبره و معتبره است از آثار معتبره و معتبره است از آثار

معتبره و معتبره است از آثار معتبره و معتبره است از آثار

معتبره و معتبره است از آثار معتبره و معتبره است از آثار

معتبره و معتبره است از آثار معتبره و معتبره است از آثار

معتبره و معتبره است از آثار معتبره و معتبره است از آثار

معتبره و معتبره است از آثار معتبره و معتبره است از آثار

معتبره و معتبره است از آثار معتبره و معتبره است از آثار

معتبره و معتبره است از آثار معتبره و معتبره است از آثار

-عدم وجود چاپ منقح بر اساس تصحیح انتقادی نسخه‌های موجود از آثار شیخ بهایی. متأسفانه هیچ گونه چاپ مورد اعتماد و کاملی از آثار فارسی شیخ بهایی وجود ندارد. و بیش‌تر کارهای انجام شده در این زمینه، جنبه بازاری و صورت غیر علمی دارد که برای استفاده عامه مردم پرداخته شده است. بنابراین تصحیح انتقادی نسخه‌های آثار و انتشار نسخه‌ای مطمئن و تصحیح شده از هر یک از آثار شیخ بهایی نکته‌ای است که پیش از تحقیق در رابطه با آثار او باید مورد توجه قرار گیرد.

-مشهورترین اثر شیخ بهایی، کشکول است که متأسفانه چنان‌که باید و شاید به بررسی و تحقیق درباره این اثر پرداخته نشده و بیش‌تر به این کتاب به عنوان اثری عام پسند توجه شده است. چاپ‌های متعددی که از کشکول صورت گرفته، هیچ کدام برآورنده تمام نیازهای یک محقق نیست. بنابراین یک تحقیق و بررسی مفصل در رابطه با کشکول و ترجمه‌های متعدد آن و یک چاپ درست از این اثر به همراه طبقه‌بندی موضوعی مطالب آن و تدوین فهرست‌های مختلف برای این کتاب، می‌تواند کمک شایانی برای پژوهش در این زمینه باشد. اثر دیگری از شیخ بهایی که آن را پیش از کشکول و به همین شیوه نگاشته است، «مخله» یا «توبره» است که در حاله‌ای از ابهام فرو رفته و اطلاعات ما از این اثر بسیار اندک و ناقص است. یک نسخه از کتابی به این نام در سال ۱۳۱۷ در مصر، به نام شیخ بهایی چاپ شده که امروزه انتساب آن به شیخ بهایی با استناد به دلایلی مؤثق، به طور کلی رد شده است. ولی از طرف دیگر شکی در این نیست که شیخ بهایی چنان‌که خود در مقدمه کشکول اشاره کرده است کتابی با این عنوان و به شیوه کشکول داشته، که در دوران جوانی ساخته و پرداخته بوده است. تحقیق درباره این اثر و جست و جوی نسخه‌های آن، از دیگر کارهایی است که تا کنون به آن توجه نشده است و هم‌تی عالی می‌طلبد.

-عدم توجه به اطلاعات و نکات مفیدی که در نسخه‌های خطی آثار شیخ بهایی، مثلاً در ترقیمه‌ها یا اجازه‌های پایان برخی از نسخه‌ها یا در مقدمه آثار شیخ، یا در

نامه‌های او وجود دارد، مسأله دیگری در این زمینه است. این نکات از آنجا که بسیاری از آنها به خط خود شیخ بهایی است، از اعتبار بسیاری برخوردار بوده و توجه به آنها و انطباقشان با اطلاعات موجود در تذکره‌ها و تراجم احوال و سایر منابع، می‌تواند بسیاری از ابهامات را برطرف کرده و به بسیاری از سؤالات پاسخ گوید. بنابراین تهیه سال‌شمار زندگی شیخ بهایی با توجه به نکات قابل اعتمادی که در نسخه‌های خطی و تذکره‌ها و تراجم احوال و منابع و مآخذ دیگر درباره وی آمده، لازم و ضروری است و به این وسیله می‌توان با استناد به این اطلاعات مؤثق، بسیاری از فرضیه‌های مطرح شده درباره زندگی شیخ بهایی را رد یا اثبات کرد.